



## کتابی که جایزه تقدیر بگیرد کتاب سال است نشستی با داوران بخش داستان کتاب سال



احتمالاً نماینده‌های تفکر و نگاه‌های متفاوتی در زمینه ادبیات کودک و نوجوان هستند. همین تفاوت نگاه هم در نظریات هیأت داوران دیده می‌شود. یعنی هرکس با سلیقه و نظرگاه خودش، البته با تکیه بر معیارها و نشانه‌های مشخص‌تری، تلاش می‌کند که کتاب‌ها را بررسی کند. این یک نکته که البته به نظرم بدیهی است و همه این را می‌دانند و نیاز به گفتن من نبود. فقط خواستم روی این اختلاف تأکید کنم، چون می‌خواهم در مورد این اختلاف صحبت کنم.

من هم مثل شما خیلی دلم می‌خواست دوستان دیگری هم این جا بودند. شاید این اولین باری است یا حداقل به نظر من اولین باری است که دارند تلاش می‌کنند به یک شکل شفاف، آن چه را در جلسات بسته انتخاب کتاب سال اتفاق می‌افتد، در رسانه‌های گروهی منعکس کنند. به نظرم این کار خیلی خوب است، یعنی اگر عادت کنیم و بتوانیم آن قدر شفاف در پس پرده حرف بزنیم و جرأت کنیم نظراتمان را در یک رسانه عمومی هم اعلام کنیم، خیلی کار خوبی است. به نظرم می‌رسد دیگران هم باید از این کار یاد بگیرند و تن بدهند به این کار که این معیارها را بعد از دوری یا حتی قبل از دوری (که احتمالاً نمی‌شود اینها را گفت به دلیل حساسیت‌های خود انتخاب) بگویند.

اما بعد از آن باید بنشینیم و با نگاه کارشناسی، واقعاً بررسی کنیم. به نظرم توی سال‌های گذشته، اصلاً این کار را نکردیم و داورها یا مجموعه ارشاد، اصلاً انگار که خودش را موظف نمی‌دید به انتقادهای نظریات مختلف که بعد از آن ایراد می‌شود، جواب دهد. به نظرم می‌رسد ارشاد و در درجه اول، دبیرخانه انتخاب کتاب سال ارشاد، باید بتواند جواب دهد به تمام اینها، راه بهترش این است که داوران همین کاری‌را که شما کردید و به نظرم خیلی خوب است، انجام دهند: یعنی داوران پاسخگو باشند. حالا که دبیرخانه، جوابی به سؤال‌های خانواده ادبیات نمی‌دهد، بهتر است داوران، دیدگاه‌های‌شان را به شکل شفاف بگویند. شاید یکی از راه‌هایش این می‌توانسته باشد که صورت جلسات یا گفته‌های داوران، پس از شور و بررسی، در رسانه‌ای مثل کتاب ماه کودک و نوجوان منعکس شود. عیبی ندارد اگر یک صفحه، دو صفحه یا پنج صفحه شود و به عنوان سند بماند و داوران هم یاد می‌گیرند که یاد گرفتند و می‌دانند چه‌گونه حرفی بزنند که بتوانند در یک رسانه عمومی هم پشتش بایستند و از آن دفاع کنند. توی این هیأت داوران هم به نظرم اختلاف‌های زیادی بود. این اختلاف زیاد هم حاصل نظرگاه‌های متفاوت بود و خیلی هم طبیعی است و اگر نباشد، باید در آن هیأت دوری که همه‌شان در مجموع یک نظر می‌دهند، شک کرد. قبل از آن که به آن اختلاف‌ها بپردازیم و بحث‌مان را ادامه دهیم، یک نکته را هم می‌خواهم در ارتباط با نفس انتخاب کتاب

می‌خواهم به طور کامل و واضح، توضیح دهید این که کتابی را به عنوان کتاب سال انتخاب نکردید یا می‌تواند تلنگری به نویسندگان کودک و نوجوان بزند (باتوجه به این که کاملاً عمدی در کار بوده است) و ما را از وضعیت نابه‌سامان ادبیات امروز کودک و نوجوان نجات دهد؟ آیا انتخاب یک کتاب به عنوان کتاب سال، راهکار بهتری نبود؟ این که شما هیچ کتابی را انتخاب نکردید، بسیار جای سؤال دارد. دقیقاً بگویید هدف‌تان از انتخاب نکردن کتاب‌ها چه بود؟

جزئی: به نظر من باید ابتدا چند نکته را روشن کنیم، هرچند که این نکات خیلی بدیهی باشند. عرض اولم این است که در انتخاب این هیأت داوران توسط ارشاد یا هر نهادی، به احتمال زیاد، قصد این بوده که از طیف‌های سلیقه‌ای و فکری گوناگون، افرادی انتخاب شوند.

و وقتی با این نگاه، داوران‌شان را انتخاب می‌کنند، عمدتاً در بین داوران هم اختلاف نظر وجود دارد که به نظرم طبیعی است. توی این هیأت داوران هم همین‌طور و اینها

داوران گروه داستان را برای نشست داوران کتاب سال دعوت کردیم. آقایان بایرامی، خرامان، مرادی کرمانی، جزینی و خانم یثربی. روز نشست، از ساعت ۴ در اتاق جلسه منتظر بودیم. احمد غلامی هم قول داده بود در این نشست، به عنوان کارشناس حضور داشته باشد. بیست دقیقه از چهار گذشت که خانم یثربی آمدند و دقایقی بعد آقای جزینی. دوستان را بیش از این منتظر نگذاشتیم و جلسه را شروع کردیم. بعد از گذشت نیم ساعت، آقای مرادی کرمانی هم به جمع ما اضافه شدند.

○ تمیزی‌ها: دلم می‌خواست که دوستان دیگر هم بودند و از نظریات همگی استفاده می‌کردیم. چون به هرحال، هیأت داوران متشکل از تمام دوستان بودند و جمیع دوستان در کنار هم بودند. ما قبلاً چنین نشست‌هایی را با گروه شعر و علمی هم داشتیم و حرف‌های دوستان را شنیدیم. حالا هم می‌خواهیم حرف‌های شما را بشنویم. کمی از انتخاب‌های‌تان بگویید و از ضوابط انتخاب و این که چرا هیچ کتابی را به عنوان کتاب سال اعلام نکردید. من



سال بگویم. سال هاست که به نظرم می‌رسد به ادبیات کودکان و ادبیات داستانی کم لطفی شده. سال‌ها یا اصلاً انتخاب نکردند یا اگر انتخاب کردند، به تقدیر رسیدند و به کتاب سال نرسیدند که سر این هم احتمالاً با هم صحبت خواهیم کرد. حالا بعد به این می‌رسیم. به نظرم می‌رسد که هرگز یک نهاد دولتی مثل ارشاد و دیگر نهادهای وابسته به دولت نمی‌تواند فارغ از دغدغه‌های سیاسی، به انتخاب دست بزند. اتفاق‌هایی که در این سال‌ها افتاده، نشان داده که این محقق نمی‌شود. نهاد دولتی نمی‌تواند به انتخاب برسد چون همیشه در مراکز دولتی، دغدغه‌های سیاسی - اجتماعی که خارج از معیارهای ادبیات است، فشار می‌آورد. نه این که بخواهم بگویم داوران محترمی که توی این سال‌ها، انتخاب کتاب سال را برعهده داشتند، دچار این دغدغه‌ها شدند، بلکه مؤسسات دولتی نمی‌توانند، توی کشورهای دیگر هم چنین است و تجربه‌های دیگران هم نشان می‌دهد هر جا که شکل‌های مردمی و خصوصی دست به انتخاب زدند، انتخاب‌شان بیشتر به واقعیت نزدیک بوده است. احتمالاً شما سؤال خواهید کرد که خوب، تو که معتقدی یک نهاد دولتی مثل ارشاد، نمی‌تواند کتاب سال یا یک انتخاب دقیق و هوشمندانه و به دور از ملاک‌های غیرادبی بکند، چرا خودت رفتی و داور شدی؟ نمی‌دانم! خصوصاً در روزهای آخر داوری، فکر می‌کردم با خودم من که آدم سرسختی هستم و به خیلی از مسایل‌ها تن نمی‌دهم، چطور شد قاطی این مجموعه شدم. حقیقتاً به نتیجه نرسیدم. نمی‌دانم چرا پذیرفتم. با وجود این به نظرم می‌رسد کار خودم را انجام دادم. یعنی وظایفی را که به عهده من بود، انجام دادم. و صریح‌تر این که فکر نمی‌کنم هرگز نهاد دولتی بتواند به انتخاب برسد و اگر هم به انتخاب برسد، هرگز انتخاب دقیقی نیست. به دلایلی که توی این سال هم دیدم، به نظر من می‌رسد که هدف اصلی هیأت داوران، می‌تواند این باشد که فارغ از دغدغه‌های بیرونی، با یک ویژگی‌های خاص به ادبیات نگاه کند، اما مشکلاتی وجود دارد که مانع این کار می‌شود. یک بخش را باید به گردن آیین‌نامه‌هایی انداخت که توی این سال‌ها برای کتاب سال تدوین شده و به نظرم می‌رسد انتقادهایی هم شده و حرف‌هایی زده شده، اما متأسفانه، دبیرخانه انتخاب کتاب سال یا به اینها اصلاً توجه نکرده یا خیلی برایش بی‌ارزش بوده. هرگز دبیرخانه انتخاب کتاب سال، خودش را موظف ندانسته که جواب دهد. هرگز نخواستند در نوع آیین‌نامه‌ها و انتخاب‌ها تجدیدنظر کنند. یکی از ویژگی‌هایش این است که وزارت ارشاد، متولی کار کتاب است و شاید یکی از مراکز می‌باشد که به راحتی می‌تواند همه کتاب‌ها را جمع کند، ولی توی این داوری و احتمالاً داوری‌های دیگر ما متوجه شدیم که به دلایل مختلف بعضی کتاب‌ها از قلم افتاده. من دارم کار هیأت داوران را نقد می‌کنم...

○ نصیری‌ها: آقای جزینی، لطفاً صحبت‌های‌تان را بیشتر روی همین جشنواره متمرکز کنید. چون شما داور بودید.

جزینی: من دارم بیشتر تلاش می‌کنم نقد کنم؛ نقد شخصی خودم فارغ از نظر جمع. چیزهایی که می‌گویم، کاملاً تلقی شخصی خودم است. توی این سال‌ها، یعنی این دوازده سال، چه در حوزه بزرگسالان و چه در حوزه کودک و نوجوان که کتابی انتخاب نشده، ظلم کردیم. کاشکی دوستان دیگر هم بودند و می‌توانستند پاسخ بگویند، بعضی‌ها از جمله خود من، مصر بودیم کتاب برگزیده، به عنوان کتاب سال اعلام شود، اما بدون هیچ دلیل موجهی، چنین نشد. آن چه معیارهای یک کتاب برجسته بود، در این کتاب به چشم می‌خورد، ولی با رأی اکثریت، این کتاب تبدیل شد به کتاب تقدیری. من حرف دارم و به نظرم آن کتابی که جایزه تقدیر را می‌گیرد، کتاب سال است و فاصله‌اش با کتاب دوم خیلی زیاد است و این ظلم است که از کتاب اول و کتاب دوم، در یک حد تقدیر شود. ما در یک جست‌وجوی میلیتی، یکی یکی قصه‌ها را خواندیم و در آن بین، به یک اثر برتر رسیدیم و من به نظرم می‌رسد من حق دارم به عنوان یکی از اشخاصی که در این مجموعه بودند، این را در رسانه شما و حتی به صورت مقاله در جاهای دیگر، منعکس کنم. این کتاب تمام ویژگی‌های کتاب سال را دارد، ولی با رأی اکثریت هیأت داوری که ما هم باید تأیید کنیم و تن دهیم، چون رأی و نظر جمعی است، رأی بر تقدیر کتاب دادند. من معتقد بودم کتاب برگزیده که از مراحل مختلف بالا آمده، شایستگی دستیابی به عنوان کتاب سال را دارد و هر نوع تغییری در این، ظلم به نویسنده‌های کودک و نوجوان است که امسال شده و در سال‌های گذشته هم این اتفاق کمابیش افتاده که اعلام نکردند. ادبیات ما همین است و چرا با معیارهایی که بیرون از واقعیت ادبیات ماست. به کتاب سال نگاه

می‌کنیم؟ احساس می‌کنم دوستان دارند از بیرون به مجموعه نگاه می‌کنند؛ یعنی تصویری از یک کتاب آرمانی دارند و می‌آیند جست‌وجو می‌کنند، می‌بینند آن نیست و به این شکل در می‌آورند. ما باید برگردیم و قدری واقع‌بین‌تر باشیم. البته، این اختلافات یا نماینده تفکرات مختلف است و باید باشد و اگر اختلاف نباشد، باید شک کرد. به هر حال، نظریات متفاوتی وجود دارد. گروهی معتقد بودند باید کتاب سال باشد و احتمالاً گروهی هم معتقد نبودند و دومی موفق شد. این ظلم از حوزه کتاب تألیفی، وارد حوزه کتاب ترجمه هم می‌شود به این معنا که چون در حوزه کتاب تألیفی کتاب سال نداریم، پس مطلوب و شایسته نیست که از کتاب ترجمه هم به عنوان کتاب سال یاد کنیم. در زمینه کتاب‌های ترجمه شده هم یک کتاب توانست خودش را بالا بکشد. به نظر من می‌رسد باید بحث ترجمه کتاب‌های کودک و نوجوان را از بحث تألیف آن جدا کنیم. اگر در این حوزه کتاب سال انتخاب شده، چه دلیلی دارد در حوزه ترجمه هم انتخاب نشود؟

کتابی که تا مرحله نهایی آمده، می‌تواند کتاب سال باشد. مقصود من از کتاب سال، چیزی خارج از محدوده واقعیت‌های ادبیات کودک و نوجوان‌مان نیست. اگر هم ما ضعیفیم و این کتاب، همه شایستگی‌ها و معیارهای کلی کتاب سال را ندارد، دلیلش این است. ادبیات ما این است. عرض من این است که باید واقعیت‌ها را بپذیریم و این قدر آرمانی و ایده‌آلی به کتاب سال نگاه نکنیم.

○ نصیری‌ها: ممنون از توضیحات کامل آقای جزینی، خانم یثربی، اگر نکته‌ای را می‌خواهید به سخنان آقای جزینی اضافه کنید، بفرمایید.

یثربی: آقای جزینی، دو اشاره داشتند که من



از ما خواسته شده با معیارهای موجود، منتقدانه قضاوت کنیم. یادمان نرود که کتاب سال، خط و الگو برای سال بعد می‌دهد. پس منتقد بودن همیشگی، آدم را از حالت هدایت‌گونه که می‌گویند یک معلم دلسوز دارد، دور می‌کند. این یعنی توانایی‌های موجود را نادیده گرفتن. واقعاً کتاب‌های درخشانی وجود دارد که انتخاب نمی‌شود. من روی سال ۷۸ حرف دارم و معتقدم دست برای انتخاب بسته بود. این را قبول دارم که می‌شد کتابی که شایسته تقدیر بود، به عنوان کتاب سال اعلام کرد، اما آن قدر فاصله این کتاب با معیارهایی که برای انتخاب کتاب سال وجود داشت، زیاد بود که شاید داوران، تقدیر را به کتاب سال ترجیح دادند. البته، در بخش ترجمه نمی‌گویم، در بخش تألیف عرض می‌کنم. امسال آن قدر این فاصله زیاد بود که بیشتر داوران تصور می‌کردند این ظلمی خواهد بود به کتاب سالی که واقعاً با این معیارها همخوانی بیشتری داشته باشد. با وجود این، جای این انتقاد را هم باز می‌بینم که تقدیر اگر عادت شود و هر سال از کتاب‌ها به جای کتاب سال تقدیر شود، نسبت خوبی نخواهد بود. ما از توانایی‌های خودمان یک تعریف و اشل ذهنی داریم، ولی چیز دیگری است و توانایی‌های نویسندگان ما در این حد است. من پیشنهاد می‌کنم در دو چیز تجدید نظر شود؛ یکی آیین‌نامه‌ها و معیارها که من خودم در پر کردن بسیاری از فرم‌ها مشکل داشتم. دقیقاً گویی معلم قصه‌نویسی از من درس می‌پرسید و سؤال‌ها بسیار شعاری بود و خیلی رو بود و مستقیم به سطح مسئله اشاره می‌کرد. اگر ما آیین‌نامه‌ها را نو کنیم، باید انتظارمان هم از ادبیات کودک و نوجوان بالا رود. اگرچه معتقدم نویسندگان کتاب و نوجوان، از انتخاب نشدن کتاب سال دل‌سرد می‌شوند، اشکالی ندارد سه چهار سال کتاب سال نداشته‌ایم، اما بعد از آن، کتاب سالی داشته‌باشیم که بگوییم این را می‌شود در دنیا مطرح کرد و کودکان دنیا همان قدر با کتاب رابطه برقرار می‌کنند که بچه‌های ما می‌کنند و در عین حال، ویژگی‌های بومی و ملی خودش را هم حفظ کند.

ادبیات خوب کودک، این معنی را می‌دهد، درست است که امسال در زمینه تألیف، کتاب سال نداشته‌ایم، ولی در زمینه ترجمه می‌توانستیم داشته باشیم. با این همه به این نتیجه رسیدیم که بهتر است تقدیر شود. فکر می‌کنم صوری بیشتری لازم است حداقل در حیطه کودک و نوجوان. به دلیل این که ما بسیار در این چند سال، در زمینه ادبیات کودک و نوجوان عقب بودیم و سفارشی و تبلیغی عمل کردیم.

● نصیری‌ها: ما هفته پیش، جشنواره برگزیدگان کتاب کانون را پشت سر گذاشتیم. جشنواره برگزیدگان ادبیات کودک و نوجوان انجمن هم بود. وقتی که جشنواره انجمن برگزار شد، در نظرخواهی‌ای که من از دوستان کردم که تعدادشان هم کم نبود و فکر می‌کنم بالغ بر بیست و چند نفر بودند، دوستان معتقد بودند انجمن نباید این کار را می‌کرد. می‌گفتند این کارها باعث ریزش در انجمن

بعضی از بندهای آیین‌نامه که خیلی‌های آن را شامل می‌شود و با نگاه کلیشه‌ای درسی و در واقع، مثل کلاس‌های ابتدایی و مقدماتی داستان‌نویسی، با قضیه انتخاب کتاب سال برخورد می‌کند. درست مثل شاگردی که در ابتدای کلاس داستان‌نویسی، به او عناصر داستان را می‌گویند که مثلاً مقدمه، شخصیت‌پردازی، فضاسازی و غیره که اگر داستانی اینها را داشته باشد پس داستان خوبی است.

داوران نمی‌توانند با این عناصر، به یک کتاب خوب نزدیک شوند. خیلی معیارها می‌توانند نقش داشته باشد تا یک کتاب را متفاوت جلوه دهد. بهترین مثالی که به ذهن من رسید، شازده کوچولو است. اگر بخوایم با این روش، شازده کوچولو را در نظر بگیریم، شاید نمره خیلی کمی بگیرد، چون واقعاً از نظر شخصیت‌سازی و تصویرپردازی و طرح و فضا، یک فضای جهان شمول دارد و اصلاً به کشور خاصی ربط پیدا نمی‌کند. در تمام دنیا، از این کتاب استقبال کردند. من می‌خواهم این را بگویم: آیین‌نامه‌های ما فرسوده و از رده خارج شده است و مثل کتاب‌های درسی که هر سال باید تجدیدنظر شود، اینها هم باید با نگاه اساتید فن، تجدیدنظر شود. درستش این است که اساتید داستان‌نویس کودکان، این آیین‌نامه‌ها را تلویح کنند. من اصلاً نمی‌دانم این آیین‌نامه‌ها را چه کسی نوشته؟ ارگانیک هست یا خیر؟ ارشاد این کار را کرده؟ چه کسانی تأثیرگذار بودند؟ در مورد اشاره‌ای که آقای جزینی به وضعیت ایده‌آل کردند، من هم کاملاً موافقم. به نظر من، کتاب سال انتخاب نکردن در طول این چند سال، در حوزه ادبیات کودک و نوجوان، می‌تواند ظلم باشد. می‌تواند باعث دل‌سردی نویسندگان و مترجمان کودک و نوجوان شود. به ویژه نداشتن کتاب سال در دو حوزه، می‌تواند ظلم مضاعف باشد. البته در حوزه‌های دیگر هم همین‌طور است. مثلاً چندین سال است ما در حوزه نمایشنامه‌نویسی، کار برتر نداریم؛ چون می‌گویند با معیارهای ما برابر نیست.

می‌گویند معیارهای شما چیست؟ داوران می‌گویند معیارهای ما یعنی این که مشکلات انسان‌های امروزی، این مکانی و این زمانی ایرانی را در آستانه قرن جدید و تحولات جدید، با زبانی متفاوت بیان کند. اولاً این حرف بسیار کلی گویی است. در روان‌شناسی، بحثی است به نام وضع موجود و وضع ایده‌آل و اگر فردی تفاوت این دو را درک نکند، دچار ناهنجاری می‌شود. ما مثل معلمی هستیم که تمام شاگردان کلاس‌مان، بچه‌های متوسطی هستند، اما ما نمره‌های‌مان را از پانزده شروع نمی‌کنیم، بلکه از بیست شروع می‌کنیم و به آن کسی که بالاتر هست، نمره بهتری می‌دهیم. به هر حال ما واقعیت‌های ادبیات کودک و نوجوان‌مان را نمی‌توانیم نادیده بگیریم. سال‌هاست که ادبیات کودک و نوجوان ما به شیوه انتشارات دولتی رشد کرده. سال‌ها به طرف شعارزدگی، کارهای سفارشی و فرمایشی و تبلیغاتی پیش رفته است. حالا که کمی فضا باز شده و نویسندگان می‌توانند خودشان را نشان دهند، نمی‌توانیم یک دفعه انتظار تحول چشمگیری داشته باشیم.

می‌خواهم در مورد آنها یک توضیح تکمیلی بدهم. یکی این که نهاد دولتی، در نهایت نمی‌تواند به انتخاب برسد. من هم شدیداً به این اعتقاد دارم. در عرصه‌های مختلف هنر و فرهنگ، در این چند سال، ثابت شده که هر بار، یک نهاد دولتی خواسته انتخابی انجام دهد، نمی‌تواند فارغ از مسایل سیاسی - اجتماعی موجود باشد. علاوه بر آن، مسئله آیین‌نامه‌هایی است که از رده خارج شده و مثل کتاب‌های درسی که هر سال تجدید نظر روی آنها انجام می‌شود، آیین‌نامه‌های کتاب سال و آیین‌نامه‌های مربوط به تمام مسایل فرهنگی، جشنواره‌های سینمایی، جشنواره‌های تئاتری و... همه باید عوض شود.

بله متأسفانه این ملاحظات وجود دارد که مثلاً ما در حیطه ادبیات، سینما و تئاتر قهرمان‌سازی نکنیم و چند سال پشت سر هم، به یک فرد جایزه ندهیم. تمام اینها محدودکننده است. واقعاً وقتی ما می‌بینیم مثلاً در حیطه ترجمه که من بیشتر کارم است، یک نفر کارش از بقیه بالاتر است و هر سال هم کارش بالاتر است، چه لزومی دارد که به او جایزه کتاب سال ندهیم؟ خوب، توانایی و خلاقیت و نوع انتخاب او از بقیه بهتر است. اما می‌ترسیم؛ چون می‌بینیم آن فرد هفت، هشت جایزه می‌گیرد همه جا مطرح می‌شود اما حالا چون ما نهاد دولتی هستیم باید یک سری ملاحظات دیگر را هم در نظر بگیریم.

کاملاً به این اعتقاد دارم که آیین‌نامه‌ها باید عوض شوند. انتخاب کتاب سال، طبق آیین‌نامه‌هایی است که با واقعیت همخوانی ندارند. ممکن است من از کتابی از نظر حسی خوشم بیاید و آن را به بچه‌ام و یا به شاگردانم معرفی کنم ولی وقتی به آیین‌نامه نگاه می‌کنم، می‌بینم که یک اثر باید تناسب موضوعی با فرهنگ ما داشته باشد. به عبارتی، هرچقدر یک اثر روی من نوعی تأثیر داشته باشد، ولی با بافت و رنگ و بوی فرهنگی خودمان نخواند، نمی‌تواند به عنوان کتاب سال انتخاب شود. این هم درست است و به دلیل خاصی در نظر گرفته شده، اما این معیار قاعده‌تاً انتخاب مرا محدودتر و دقیق‌تر می‌کند. باید ملاحظه بیشتری نشان دهم تا این که تحت تأثیر حسی و عاطفی و پیام تربیتی یک اثر قرار بگیرم.

حالا باید ببینم طرح خلاقانه است یا نه؟ آیا طرح کاملاً بومی است و فضای ایرانی دارد؟ نثر فقط نباید من را راضی کند، نثر باید از نظر معیارهای ادبی و ویراستاری، حرفی در آن نباشد؛ یعنی نسبت به کارهای دیگر یک سر و گردن بالاتر باشد. همه اینها انتخاب را محدود می‌کند. ولی واقعاً بعضی از بندهای این آیین‌نامه‌ها، بسیار دست و پاگیر و نامفهوم و گنگ است. من نمی‌خواهم به بند خاصی اشاره کنم، ولی همیشه از این اتفاق ناراحت می‌شوم که خیلی راحت بگوییم این کتاب تصویرسازی و شخصیت‌پردازی دارد یا ندارد. خوب بوده یا بد بوده. بعضی از داستان‌ها می‌طلبید که اصلاً شخصیت‌پردازی نداشته باشند؛ یعنی فرم آن داستان آن قدر جدید بوده که می‌خواستند شخصیت‌پردازی را با عنصر دیگری جایگزین کنند. بنابراین،



هوشنگ مرادی کرمانی

می‌شود. بعضی دوستان معتقد بودند کسانی که جایزه بردند، کاملاً رفاقتی بود. این‌ها باعث دلخوری شد، در مورد کانون هم همین‌طور. گفتند خوب بود که کانون هم این کار را نمی‌کرد. دوستان گفتند که انجمن این کار را نکند، چون کار کارشناسانه‌ای نیست. شما هم معتقدید ارشاد و نهادهای دولتی هم این کار را نکنند. پس جایگاه معرفی کتاب‌های برتر، ما کجاست؟ البته، ادبیات کودک و نوجوان، بیش از هر چیزی به مخاطبش اهمیت می‌دهد. کتاب نوشته می‌شود تا کودکان و نوجوانان بخوانند و استفاده کنند. حال با این همه جشنواره‌ای که برگزار می‌شود، کودک و نوجوان، در انتخاب کتاب‌ها دچار دوگانگی می‌شود. می‌بینید آقای ایکس، در جشنواره کانون جایزه می‌برد، اما در جشنواره کتاب سال، اصلاً مطرح نمی‌شود و بالاخره نمی‌داند که این کتاب ارزش خواندن دارد یا خیر؟ آن قدر به تناوب، این جشنواره‌ها تکرار می‌شود که کودک و نوجوان ما سر آخر نمی‌داند کدام یک از نویسندگان ما خوب است و کدام یک بد.

من معتقدم تعدد این جشنواره‌ها، باعث به وجود آمدن آشفتگی در ادبیات کودک و نوجوان شده. این چندگانگی را با توجه به تشابه اعضای هیأت داوران، در جشنواره‌های گوناگون، چطور تعبیر و توجیه می‌کنید؟ جشنواره کانون هم فقط کتاب‌های سال گذشته را بررسی کرد. کتاب‌ها و نویسندگان همان‌ها بودند. پس چرا ارشاد هیچ کتابی را انتخاب نکرد؟

مرادی کرمانی: حرف من این است که هیچ اشکالی ندارد از دیدگاه‌های مختلف، یک موضوع را ببینیم. خوب،

ما می‌بینیم که شورای کتاب کودک هست، کانون هست، برگزیدگان انجمن هست، کتاب سال هم هست. شاید کسی در همه اینها حضور داشته باشد که البته بعید می‌دانم. این‌طور باشد، ولی واقعیتی وجود دارد و آن این که ما دارای معیارهایی هستیم که این معیارها باعث می‌شود. بگویند فلانی کانونی است، فلانی شورایی است. این معیارها به نوعی تفکر ما را نشان می‌دهد و سیاست‌گذاری‌هایی از بالا به ما می‌گویند این کار را بکنیم یا خیر. من اولین باری است که در بخش کتاب کودک و نوجوان، داور هستم. بیشتر داور فیلم کودک و نوجوان بودم. دفاع من، الان این می‌تواند باشد که ما گذشته از آن ملاک‌ها و معیارهایی که به قول دوستان می‌تواند آزردهنده باشد، دارای شیوه‌های گوناگون فکری هستیم که نگذاشته به توافقی برسیم و کتابی را معرفی کنیم. خود من معتقد هستم. کتاب سال باید تحول عظیمی باشد. چیزی باشد که ما تا به حال نداشته‌ایم و این متفاوت است با انتخابی که مثلاً در شورای کتاب کودک انجام می‌شود. همین کتاب‌های تشویقی که شما می‌گویید این کار را می‌کند. عنوان کتاب سال، عنوان بزرگی است. روزی با من در ارتباط با جشنواره رشد مصاحبه می‌کردند. گفتم آرزو دارم تمام این بچه‌ها جایزه ببرند، اما واقعاً نمی‌شود، چون می‌دانیم چه زحمتی دارد کارنو و خوب کردن، خود من از آن مرارت‌ها، زحمت‌ها و سنگلاخ‌های ادبیات، به این‌جا رسیدم. دقیقاً می‌توانم بفهمم این کتاب چقدر زحمت برده نویسنده یا مترجم چقدر خواننده و چقدر پیش این و آن رفته، من همه این چیزها را می‌فهمم. بعد از سال‌ها، اکنون به سلیقه‌ای رسیده‌ام که این سلیقه، جلوی این را می‌گیرد که خیلی دست و دل بازی نشان دهم و بخواهم چیزی را امضا کنم و بگویم این یک چیز فوق‌العاده است. این را من ندیدم و وقتی ندیدم، نباید بگویم. اما در مورد تعدد برگزاری جشنواره‌ها، به نظر من لازم است و حتی اگر بیشتر هم باشد، اشکالی ندارد. ما حتی توی کرمان هم کتاب برگزیده داریم که تا به حال دوبار کتاب من به عنوان کتاب برگزیده انتخاب شده چه عیبی دارد؟ کف زدن و جایزه دادن و جشنواره برگزار کردن، کارهای بدی نیست: کما این که در دنیا جشنواره‌های مختلفی به آثار مختلف جایزه می‌دهند. مثلاً جشنواره‌ای در مونیخ هست که هر سال به فیلم‌های کوتاهی جایزه می‌دهد که درباره معلولین است. به اعتقاد من، برگزاری جشنواره‌های گوناگون، نمی‌تواند مشکلی ایجاد کند و معتقدم هرچه بیشتر باشند بهتر است. بعضی جاها کتاب من را به عنوان کتاب بد کنار گذاشتند و بعضی جاها هم کتاب مرا برگزیده معرفی کردند. من را بالا بردند و کف زدند. من باید ظرفیت هر دو اینها را داشته باشم. ما نویسندگان و مترجمان باید هم ظرفیت تشویق را داشته باشیم و هم تنبیه را. ما باید منتظر بمانیم تا اتفاقی در ادبیات کودک و نوجوان بیفتد. این اتفاق امسال نیفتاد. چند سال دیگر ممکن است نیفتد. این حرف بسیار بزرگی است که آدم بگوید این کتاب از تمام کتاب‌هایی که در سال گذشته

منتشر شده، بهتر است.

جزئی: به نظر من هم وجود جشنواره‌های مختلف، ایرادی ندارد. اما اگر پنج تا مرکز، با چند نگاه متفاوت، آمدند و یک کتاب را انتخاب کردند، باید شک کنیم. طبیعی است که هر نهاد و هر مرکز، از ظن خودش یک کتاب را انتخاب می‌کند. در جهان فقط شش هزار جایزه جهانی به داستان می‌دهند. چه اشکالی دارد در کشور ما از منظرها و دیدگاه‌های گوناگون به کتاب‌ها نگاه کنند؟ البته باید پاسخگو باشند. یعنی باید از منظر و دیدگاه خودشان پاسخگو باشند که چرا این کتاب را انتخاب کردند. نکته دیگری که در سؤال شما بود، نوعی دلواپسی بود برای این تناقضاتی که وجود دارد که مخاطبان با این تناقضات چه کنند؟ اصلاً بحث مخاطبان و نوع انتخاب خیلی در کشورها شکل نگرفته نوعی توزیع ناجوانمردانه و ناعادلانه در کشور ما حاکم است. توزیع کتاب‌ها براساس سلیقه بچه‌ها نیست. کتاب براساس سلیقه معرفی و انتخاب نمی‌شود. نهادها و مراکزی هستند که تصمیم می‌گیرند کدام کتاب را بخرند و کدام را نخرند. چند نهاد در کشور ما هستند که سرنوشت نشر کتاب کودک و نوجوان، در دست اینهاست. هیچ کاری هم نمی‌شود کرد.

این‌ها کتاب را از ناشر می‌خرند و همین‌ها هم بخش می‌کنند. اگر هزار تا جایزه هم بگذاریم، کک اینها نمی‌گزد. نهادهایی هستند که اصلاً پاسخگوی سلیقه‌های ادبی جامعه هم نیستند. شورایی است که کتاب‌ها را می‌خرد. از کتاب‌هایی که می‌پسندند، حمایت می‌کند و بعید می‌دانم هیچ یک از این نهادها به این انتخاب‌ها توجهی داشته باشد. این نهادهایی که ظاهراً خودشان را متولی ادبیات کودک و نوجوان می‌دانند، با خرید این نوع کتاب‌ها، بازار ادبیات کودک را به هر سمتی که دل‌شان می‌خواهد، سوق می‌دهند. در نوع خرید و حمایت اینها هیچ تفاوتی نمی‌کند. به نظر من، مرز بین ادبیات کودک را به هر سمتی که دل‌شان می‌خواهد، سوق می‌دهند. در نوع خرید و حمایت اینها هیچ تفاوتی نمی‌کند. به نظر من، مرز بین ادبیات کودک و نوجوان ما و مخاطبان کودک و نوجوان ما از بین رفته و عامل از بین رفتنش هم آن نهادها و مراکزی هستند که خودشان را متولی کار کودک و نوجوان می‌دانند.

○ نصیری‌ها: من نکته‌ای در باب هیأت داوران بگویم. حضور آقای مرادی کرمانی، در بین داوران، برای من بسیار جالب بود. ایشان جز کسانی هستند که همیشه کتاب‌های‌شان مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد و این بار آمده بودند تا کتاب‌های دیگران را نقد و بررسی کنند. این نکته فشنگی بود و قدری ترکیب هیأت داوران را متفاوت کرده بود. اما اصولاً این طوری است که در جشنواره‌های دیگر، تمام دست‌اندرکاران یک رشته را در کنار هم جمع می‌کنند. مثلاً در جشنواره فیلم فجر، در هیأت داوران یک صدابردار، یک تصویربردار، یک بازیگر و یک کارگردان حضور دارد. اما در ادبیات کودک و نوجوان ما این طور نیست. همیشه دیدیم که نویسندگان کار قصه‌ها را بررسی



جواد جزینی

دقیقاً برای اولین بار به کسانی می‌دهم که اصلاً کتاب نمی‌خوانند یا اصلاً نویسنده و شاعر نیستند. چون خودم بلافاصله که کتابی را در دست خواندن می‌گیرم، می‌گویم اگر من بودم، اینطوری می‌نوشتم. این اشتباه از من است. چون اثر متعلق به کس دیگری است، الان همه ما به قول احمد شاملو، کارگران فرهنگی هستیم که خودمان می‌نشینیم و کارهای همدیگر را بررسی می‌کنیم، باید خیلی عادل باشیم، خیلی خودمان نباشیم. مثل مسجد که می‌رویم و کفش‌های مان را در می‌آوریم، باید تمام عقاید و افکار پشت پرده را بیرون بریزیم. کار بسیار بسیار سختی است. البته این را بگویم که ناشر خیلی مهم است. وقتی یک کتاب خوب باشد، اما به قول آقای جزینی، حرکت نکند [خوب توزیع نشود]، چه فایده. در ضمن تا دو سال پیش، چنین بود الان هم حتماً هست. هر مدیر مدرسه‌ای، خود یک داور است که این کتاب وارد مدرسه شود یا خیر. ما در چنین جایی زندگی می‌کنیم. اینها فقط برای تشویق است. سال ۶۴ یا ۶۵ بود که «قصه‌های مجید» به عنوان کتاب سال انتخاب شد، اما به هیچ مدرسه‌ای نرفت، چون آموزش و پرورش گفته بود این کتاب خوب نیست. این اتفاق برای خود من افتاد. رییس جمهور و وزیر ارشاد وقت که آن زمان آقای خاتمی بودند، گفتند این کتاب خوب است و به من جایزه دادند، اما به مدرسه‌ها نرفت. این یک بام و دو هواست. این نمونه‌ها فراوان است. وقتی که آن قدر سلیقه‌های شخصی و سیاست‌گذاری‌ها متفاوت است، چه لزومی دارد که این همه جوش بزنیم که کتابی که ما انتخاب کردیم نتوانست در جامعه حرکت کند. به نظر من، جامعه خیلی بها نمی‌دهد به این چیزها. وقتی هم این اسامی چاپ می‌شود، فقط خود ما می‌خوانیم و فقط خود ما می‌دانیم. ذهنیتی که جامعه نسبت به داوری دارد از بین برود و این مسئله جا بیفتد که تیم‌هایی که کتاب را انتخاب می‌کنند، دلسوزان جامعه هستند. اینها آدم‌های صالح و عالی هستند که نگاه خوبی داشتند و انتخاب کردند.

یثربی: یکی از نویسندگان کودک و نوجوان، در مصاحبه‌ای گفته بود به نظر من هیچکدام از این داوران، البته اشاره‌ای به ما نکرده بود، به طور کلی داورانی که تا به امروز قضاوت کردند، صلاحیت ندارند. بعد پرسیده بودند چرا؟ گفته بود مگر خودشان چه کتابی نوشتند که مطرح بوده باشد که حالا می‌خواهند راجع به دیگران نظر بدهند؟ در جواب سؤال شما باید بگویم اصولاً در تمام دنیا رسم این است که در بین داوران، دو سه نویسنده‌ای که تا به حال خیلی مطرح بودند یا لاقل در طیف وسیع، مخاطبان زیادی داشتند، باشند. اگر تمام داوران منتقد باشند، قطعاً در بین نویسنده‌ها سوالات زیادی پدید می‌آید. اگر یکی ناشر باشد، همه می‌گویند منافع خاص خودش را در نظر گرفته. البته، من معتقدم باید باشد و نویسنده‌های ما باید این درک و پذیرش را پیدا کرده باشند که بدانند همه چیز از روی غرض‌ورزی نیست. قبل از اعلام نتایج هم حالت جبهه‌گیری وجود داشت. چرا که وقتی «پکا» در بخش

کردند و شاعران کارهای شورا، نویسنده‌ها از ناشران خیلی شاک‌اند. تمام دوستانی که این جا حضور داشتند از ناشران گله کردند. به نظر شما اگر دست کم در ترکیب هیأت داوران کتاب سال مهمترین، بخش داوری‌های ما به حساب می‌آید، یک ناشر و یک تصویرگر که متأسفانه تصویرهای کتاب کودک مفهوم خودش را برای ما از دست داده و یک منتقد که فقط کارش نقد ادبیات کودک و نوجوان است و یک نویسنده در کنار هم قرار می‌گرفتند، انتخاب بهتری نمی‌داشتند؟

مرادی کرمانی: این که من داور شدم و باعث تعجب شما شد، دو علت داشت. یکی این که من کتاب بدی داشتم. تصور کردند اگر بخواهند کتاب را کنار بگذارند، من ناراحت می‌شوم. گفتند خودش بیاید تا کتابش را کنار بگذاریم تا خیلی مؤدبانه باشد و دوم این که برای جور بودن جنس است! بالاخره آدمی مثل من هم باید چنین جاهایی باشد. حالا این که حضور من در آنجا چقدر مشرتم بود، لاقل از نظر خودم خیلی ارزشمند بود. چون خیلی از دوستان را برای اولین بار در یک جمع می‌دیدم. من هیچ وقت نمی‌دانستم پشت پرده ادبیات کودک و نوجوان چه می‌گذرد. به من این جایزه می‌گویند. بیشترین جایزه را تا به حال به من دادند. من نمی‌دانستم معیارها و ملاک‌ها چیست. برای من خیلی خوب بود. من آموزش گرفتم، اما در پاسخ سؤال شما من معتقدم هیچ کدام از اینها نباید باشند. باید جمع منتقدین باشند؛ یعنی کسانی که کتاب را از دیدگاه متفاوتی می‌خوانند. من وقتی کتابی را می‌خوانم، خودم را در نظر می‌گیرم. وقتی چیزی می‌نویسم،

خصوصی، این مراسم را برگزار کرد، کتاب پرفروش شد. شاید چون مردم تصور می‌کردند اینها غرض‌ورزی کمتری دارند، در حالی که بعداً معلوم شد بعضی از داوران محترم، حتی همان کتاب خاص را هم مطالعه نکرده بودند. اشکالی هم ندارد. خودشان توی روزنامه گفتند ما این کتاب را نخواندیم، اما به ما توصیه شد که کتاب خوبی است. در دهه فجر و هفته کتاب، دیدیم مدارس کتاب می‌خرند، اما کتاب‌هایی با معیارها و ملاک‌های خودشان. در مورد ترکیب داوران هم اتفاقاً فکر می‌کنم امسال سعی کرده بودند قدری رعایت کنند. کوشیدند یک نویسنده پیش‌کسوت بگذارند و یک مترجم و...

○ نصیری‌ها: ببخشید حرف شما را قطع می‌کنم. اما تا آن جایی که خاطرمد هست، آقایان جزینی و خرامان و پایرامی و مرادی کرمانی نویسنده هستند. جواد جزینی را نویسنده می‌دانند تا منتقد. در ضمن، تألیف‌های شما خیلی بیشتر از ترجمه‌های تان به چشم می‌خورد. حضور سه نویسنده، بر بقیه، اعضا غالب است. در گروه شعر که قضیه خیلی جدی‌تر بود. آقایان علا و نیک طلب و خانم صالحی، هر سه به طور کامل شاعر بودند. منظور من ترکیبی متفاوت‌تر بود.

یثربی: من در جشنواره‌های مختلف کانون داور بودم. در تئاتر هم داور بودم. هر سال وقتی عده‌ای انتخاب می‌شوند، می‌گویند داورها خوب بودند، وقتی انتخاب نمی‌شوند، می‌گویند بد بودند. الان اکثراً می‌گویند چون داورها نویسنده نبودند، معیارها خوب نبوده است، چون نویسنده حرفه‌ای کودک و نوجوان نبوده‌اند؛ منهای یکی، دوتای آنها. صحبت و فرمایش شما برعکس است. من این را از یکی از نویسنده‌های کودک خواندم دو روز پیش به این نتیجه می‌رسیم که مهم این است که به قول آقای مرادی کرمانی، آدم از خودش بیرون بیاید و معیارهای شخصی را کنار بگذارد. بنده شاید از فلان کتاب خوشم می‌آمد. ولی معیارهای عمومی را باید در نظر گرفت، کتابی که بتواند خطی بدهد، تحولی ایجاد بکند. فی‌المثل در داستان‌نویسی، خانه تکانی بکند. خیلی کار مشکلی است و هر گروه داوری هم که انتخاب بشود، همه این مشکلات وجود خواهد داشت. از طرفی، معتقد هستم که سال‌های آینده، حتماً باید یک داور از بین تصویرگرها انتخاب شود؛ چون این هم نمره داشتیم.

کیفیت کتاب از نظر تصاویر و صفحه‌آرایی نمره دارد و امسال، جای تصویرگرها خالی بود. همیشه به بخش تصویرگری کتاب‌های کودک، ظلم شده است.

جزینی: در ابتدای بحث اشاره کردیم یکی از مشکلات کتاب سال، این آیین‌نامه‌هایی است که تدوین شده و این نوع انتخاب‌ها به داورها برنمی‌گردد.

این بحثی که می‌کنیم، خارج از موضوع است. ما در مورد موضوعی صحبت می‌کنیم که اصلاً در حوزه کار ما



چستا یشری

نیوده است. ما نباید جواب بدهیم. این را دبیرخانه باید جواب بدهد که چه ملاک‌هایی برای انتخاب دارد. این داوران همه نویسنده باشند، یک دست همه منتقد باشند نماینده گرایش‌های مختلف و علائق مختلف در ادبیات کودک باشند، این به نظرم مربوط به دبیرخانه است. البته می‌شود راجع به آن صحبت کرد. من برخلاف دوستان معتقدم که نباید این قدر ایده‌آلی به کار نگاه کرد. ما منتظر یک زمین‌لرزه بزرگ در ادبیات داستانی هستیم، ۱۲۰ سال است که ما منتظر این زمین لرزه هستیم و این اتفاق هم نیفتاده است.

وضعیت ادبیات کودک و نوجوان ما، به دلایل متعدد که بعضی‌هایش برای ما روشن است و گروهی ناروشن این است و حالا چه؟ ما در این وضعیت موجود، باز هم دامن می‌زنیم به این وضعیت، چرا نمی‌آییم آن را که از همه بهتر است، معرفی کنیم؟ با شجاعت بگوییم اگرچه آن ویژگی‌هایی مطلوبی را که داوران معتقدند ندارد. ولی این به معنای دقیقش کتاب سال است. من مثل خانم منتظر نمی‌مانم اتفاقی که تعریف شدنی هم نیست بیفتد. دنبال کتابی هستیم که ظهور کند، تمام ویژگی‌های زمین لرزه را هم داشته باشد و اثر جهانی هم به حساب بیاید. به نظرم این انتظار خیلی انتظار واقع‌بینانه‌ای نیست. سال‌هاست که این اتفاق می‌افتد و بارها به نویسنده‌ها کم‌لطفی شده است. اثری که بالا آمده، از منظر من، کتاب سال ما است. اما اگر هم کتاب سالی نیست با آن

ویژگی‌هایی که شما و احتمالاً جامعه ادبی ما مدنظرشان است، بیاییم بحث‌های جدی‌تری بکنیم، ببینیم چرا این‌گونه هستیم؟ چرا از این سطح بالاتر نمی‌آییم؟

○ نصیری‌ها: تمام دوستانی که این جا، در نشست‌های قبلی هم به آیین‌نامه‌های ارشاد اعتراض داشتند. می‌گفتند ما می‌خواستیم بگوییم این کتاب خوب است، به آیین‌نامه نگاه می‌کردیم می‌گفتیم نه. این خوب نیست، چون مطابق آیین‌نامه نبود. عده‌ای می‌گفتند چون ما خیلی با آنها بحث کردیم، جاهای جزئی را توانستیم تغییر بدهیم و کمی انتخاب‌ها مطابق میل ما باشد، اما می‌خواهیم ببینیم گروه و ایشان چه تلاشی کرد، برای این که آیین‌نامه را مطابق میل خودش پیش ببرد؟ یعنی توانستید در بعضی موارد، آیین‌نامه را تغییر بدهید یا کاملاً مطابق آیین‌نامه ارشاد عمل کردید؟

○ جزینی: به نظرم می‌رسد در اصل آیین‌نامه‌ها باید تجدیدنظر شود. اشاره هم شد آن جا که باید تجدیدنظر شود، با مشورت احتمالاً همه دست‌اندرکاران ادبیات کودک و نوجوان و به فرمایش خانم یشری، هر سال هم باید این اتفاق بیفتد. یعنی هر سال، بعد از انتخاب کتاب سال، ضعف‌ها و قوت‌های این معیارها با نوع آثار و زمان حتماً باید بررسی شود. البته، عرض می‌کنم که لاقبل به نظر من، روی ملاک‌های انتخاب ما خیلی تأثیر نگذاشت. درست است که نمره‌ای را مشخص کرده بودند، اما این محدودیتی برای داور ایجاد نمی‌کرد و داور می‌توانست باره‌ی را از بین ببرد. حتی امتیاز ویژه‌ای برای داور گذاشته بودند که با ملاک‌های خاص خودش به اثر نگاه کند. احساس می‌کنم آن معیارهای طرح شده، مشکلی حداقل برای من ایجاد نمی‌کرد. در امتیازدهی به آثار، هیچ مشکلی را نداشتیم و به راحتی می‌توانستیم با نظر خود، آن ملاک‌ها را که خانم یشری به درستی اشاره کرد خیلی کلیشه‌ای است، بالا و پایین ببریم و امتیاز مطلوب را بدهیم. در واقع، آن داور می‌توانست به آن امتیاز کامل را به اثر می‌داد.

○ یشری: من هم خیلی سعی کردم خودم را خیلی به آن بارها محدود نکنم. به همه دوستان هم عرض کردم. من روح کلی اثر را در نظر گرفتم و باتوجه به معیارهای داور خود، انتخاب کردم. اگرچه دو یا سه تا از آن معیارها به نظرم خیلی مهم بود. مثلاً همخوانی با فرهنگ‌مان که به نظر من باید باشد. وقتی آدم می‌خواهد کتاب سال انتخاب کند، باید آن نکته را در نظر بگیرد، خلاقیت موضوع و بیان اثر را در نظر بگیرد؛ یعنی شکل و محتوا اثر خلاقانه باشد. این برای من معیار اصلی بود. این که حرفی را در قالب متفاوت، حرف مناسب فرهنگ ما، مناسب کودکان ما و که نیاز مخاطبین امروزمان را برآورده کند، مخاطبینی که مدام جلوی کامپیوتر و ماهواره و تلویزیون می‌نشینند، این کتاب را لاقبل تا آخر بخوانند. این‌ها معیارهای من بود. بتوانند از آن استفاده کنند، نکاتی از آن یاد بگیرند، اثر

برگزیده باید طرح و ساختار متفاوت و در واقع بدیع داشته باشد. من خودم را به آن بارها محدود نکردم. معتقدم این آیین‌نامه، دست و پاگیر است و سال‌های بعد هم مشکل ایجاد می‌کند. همان طور که آقای جزینی اشاره کردند، داورها دست‌شان باز بود و گفته بودند بارم خاصی را خودتان به دلایل خاص که دارید، بدهید، بیشتر روی آن کار می‌کردم. مشکل خاصی برای من ایجاد نکرد.

○ نصیری‌ها: نکته‌ای هم راجع به بخش ترجمه بگوییم. من دقیقاً نمی‌دانم دوستانی که روی آثار ترجمه شده قضاوت می‌کنند، تا چه میزان بر زبان خارجی تسلط دارند چون به هر حال، بحث امانتداری بخش مهمی است، مطابقت با اثر هم اهمیت دارد و بعد این که لطمه خورده باشد به متن اصلی یا نه، اینها همه باید با متن اصلی مطابقت داده شود. اگر می‌شود توضیح بدهید که کار داور می‌شود

در بخش ترجمه را چطور انجام دادید؟  
مرادی کرمانی: من وقتی به یک کتاب نگاه می‌کنم، به عنوان یک ایرانی نگاه می‌کنم و خودم را می‌گذارم جای یک بچه که این را می‌خواند و به نظرم بخش عمده‌اش این است که ببینم این با آن ملاک‌ها و معیارهای ذهنی من که به هر حال، طی سال‌ها شکل گرفته، می‌خواند یا نه؟ این چیزی است که به عهده من بود. اما یک بخش دیگر این است که ببینم چقدر به اصل اثر وفادار مانده و به قول معروف، ترجمه واژه به واژه بوده یا ترجمه معنای آن اثر بوده است. باید کتاب اصلی‌اش وجود داشته باشد که ما کتاب اصلی‌اش را نداشتیم و من هم کمی زبان می‌دانم. لیسانس زبان هستم، نه آن قدر که خانم یشری می‌دانند. چون واقعاً کار نکردم، فقط مدرکش را دارم. بعد این که وقت خیلی خیلی زیادی می‌برد برای این که آدم کتاب اصلی را بخواند و بعد سراغ ترجمه برود. کتابی بود به نام «سب آبی پرند» که خیلی از آن خوشم آمد احساس کردم گذشته از این که داستان جذاب و شیرین را تعریف می‌کند، خصوصیت‌ها و چیزهایی را که مربوط به حیوان‌ها است، برای بچه‌ها می‌گوید. دیدم که خیلی خوب ارتباط برقرار می‌کند. خیلی هم از آن دفاع کردم. نثر ساده و مناسبی هم داشت. نثر ترجمه‌ای که به قول معروف بوی آشپزخانه می‌دهد نداشت! و در زبان فارسی، قشنگ نشسته بود و ما اصلاً احساس نمی‌کردیم که این کتاب، کتابی است که لکت دارد در نثرش.

اول چیزی که به نظرم رسید، این بود که کتاب می‌تواند بین بچه‌ها حرکت و زندگی کند. دوم این که نثر خیلی خوبی دارد که مرا راضی می‌کند. اینها همه چیزهایی بود که به نظر ما رسید.

بحث ما این نبود که حالا اصلش چی بوده و ترجمه‌اش چه شده است؟ البته این نکته مهمی است و من نمی‌خواهم از آن بگذرم. اما به اعتقاد من این هم چیز کمی نیست که ما این طوری نگاه کنیم که این کتابی که



شده، خوراک فرهنگی یکسان کودک و نوجوان ما باشد. اگر این تصور را درباره کتاب سال دارید باید تجدید نظر کنید. در مورد وضعیت موجود ادبیات کودک و نوجوان کشور هم باید تجدیدنظر کنیم.

**مرادی کرمانی:** می‌خواستم فقط یک نکته را اضافه کنم. راستش بعد از این که این اتفاق افتاد و ما نتوانستیم کتاب سال معرفی کنیم، این واقعیتی است و نمی‌خواهم خودم را عزیز کنم، من دچار افسردگی شدم و عذاب کشیدم. من داور خیلی جاها بودم. آخرین بار، داور کاریکاتور بودم در گل‌آقا، با آقای آغداشلو و بقیه. با شوق این کار را می‌کردیم و با شوق آثار تازه را پیدا می‌کردیم. من احساس کردم بیخود آمدم. مطمئن باشید سال دیگر یا هیچ سال دیگر، نخواهم آمد. وقتی می‌بینم نتیجه خوبی نداشت و مرا راضی نکرد، در قضاوت خودم دچار ناراحتی شدم و فکر کردم یا مشکلی در من هست یا در نویسندگان ما و یا در زندگی فرهنگی ما. احساس کردم بچه‌های ما جلوتر از ما می‌دوند. من خودم را می‌گویم. ما خیلی عقب ماندیم. بچه‌ها چیزهای دیگری می‌خواهند. دنیای دیگری دارند، ما ایستا هستیم. من از جانب هیچ کس نمی‌گویم. برمی‌گردم به خودم. بنابراین، بعد از این داور، یک جور تنبیه برای خود در نظر گرفتم و تنبیه من، این است که دیگر هرگز و هرگز داور هیچ کتابی و مخصوصاً کتاب سال نخواهم بود. چون در جشنواره‌های فیلم ساعت‌ها حرف می‌زنیم و خیلی راحت بحث می‌کنیم. شاید همه دوستان هم حس مرا داشتند که چرا ما نباید وقتی جایزه‌ای این وسط هست، به کسی ندهیم. این خیلی برای آدم لذت بخش نیست. من برای خودم می‌گویم. من داور خوبی نکردم. سخت بود. حالا یا آن طرف خراب بود یا من خراب بودم. این تجربه برای من همیشگی است. یک بار خواستم ببینم پشت پرده چیست و حالا فهمیدم و دیگر نمی‌کنم. **یثربی:** من در بخش ترجمه، آرزو داشتم کتابی به عنوان کتاب سال انتخاب شود. بعد از سال‌ها این انتخاب در کتاب کودک و نوجوان صورت می‌گرفت. بی‌صبرانه منتظرم که سال بعد، خودم داور نباشم، اما کتاب سال در بخش ترجمه را ببینم.

**○ نصیری‌ها:** از حضورتان در کتاب ماه متشکرم.

**جزینی:** اگر من قبول کردم. یقیناً چنین نظرانی داشتم که قبول کردم. ولی آن چیزی که مربوط به انتقاد شما می‌شود، به نظر من به هیأت داوران بر نمی‌گردد. مربوط به دبیرخانه است که باید به این سؤال جواب دهد و این ابهام را رفع کند. نکته‌ای که به عنوان آخرین بحث به نظرم می‌رسد، این است که این کاری که شما دارید می‌کنید و شروع کردید، کار خیلی خوبی است؛ یعنی تلاش کنیم آن چه را در پشت پرده داور می‌گذرد، به شکل شفاف‌تری در یک رسانه برای عموم بگوییم. ادله و استدلال‌های مان را بگوییم. این کار به نظرم تا به حال نشده. این گفتمان، حرکت قشنگی است و اگر همه نهادها خودشان را موظف بدانند که این کار را انجام دهند و به شکل شفاف، معیارها و نظریات‌شان را بگویند، کار قشنگی می‌شود و احتمالاً به جایی برسد که همه پاسخگو باشند.

**یثربی:** در تکلمه حرف‌های جناب جزینی، باید بگویم این کار می‌تواند یک بدعت باشد. اصلاً ما همیشه می‌ترسیدیم و مطلقاً بعد از جشنواره‌ها، به جز فیلم یا تئاتر یا جشنواره کانون، کسی از داوران حق سؤال نداشت و اگر حتی روزنامه‌نگاری در راهرو بود، اجازه نمی‌دادند و به داوران می‌گفتند راجع به معیارهای‌تان بعد از اعلام نتایج داور می‌توان صحبت نکنید. بگذارید از طرف آن ارگان اعلام شود. مثلاً از طرف دبیرخانه فیلم فجر، ولی خودتان نظر ندهید. این اولین بار است. خود من هم بسیار تعجب کردم. این کار خیلی قابل تحسین است، چون همه را از آن حالت شک و بدبینی که چه اتفاقی دارد پشت درهای بسته می‌افتد، بیرون می‌آورد. ای کاش توی همه بخش‌ها وجود داشته باشد.

**جزینی:** در خیلی از این داور می‌ها حتی آن نهاد دلش می‌خواهد یا از داوران خواهش می‌کند که نام‌شان را نگویند. اینجا شفاف بیان می‌شود و هم این که داور عقایدش را می‌گوید. اما این که شما گفتید کتاب سال، اتفاقی ایجاد می‌کنند، من مخالفم. معتمد هیچ کدام از این انتخاب‌ها و داور می‌ها و جایزه دادن‌ها اتفاقی ایجاد نکرده و دلیلش هم این است که نشر کتاب‌های کودکان، لایبرنتی دارد که ظاهراً با این چیزها حل نمی‌شود. پیچیدگی‌هایی در مسایل ادبیات کودک و نوجوان وجود دارد که کتاب سال نمی‌تواند اتفاق بزرگی ایجاد کند. من نمی‌خواهم ارزش‌های کتاب سال را نفی کنم. می‌خواهم بگویم معضل، بیرون از کتاب سال است. چه کسی باید پاسخگوی این اتفاق باشد که نگذارد کتاب سال به مدرسه‌ها راه پیدا کند؟ همین یک نمونه نیست، بلکه نمونه دیگری هم هست که نهادها و مراکز فرهنگی، خودسرانه دست به انتخاب و معرفی کتاب می‌زنند. البته می‌بینم هیچ اتفاقی هم نمی‌افتد؛ یعنی اتفاق بزرگی نمی‌افتد که شما تصور کنید کتاب معرفی

برای بچه ما انتخاب شده است آیا انتخاب درستی بود یا نه و این حرفی که دارد تا چه حد می‌تواند با جامعه ما تطبیق بکند، باز هم می‌گویم، این که ما ببینیم آیا این آدم دقیقاً توانسته سبک نویسنده را پیاده کند یا خیر، این هم لازم است. البته نمی‌دانم حالا چه قدر می‌تواند در این وقت کم و موقعیت جایی داشته باشد.

**○ نصیری‌ها:** در حقیقت، از روی تجربه کتاب‌ها را انتخاب کردید. نه از بعد آکادمیک، طبیعی است که شما به عنوان یک نویسنده با تجربه، شم و شناخت خوبی از زبان دارید و خوب و بد ترجمه را از هم تشخیص می‌دهید. باوجود این، اگر آن بخش‌های مطابقت با اصل اثر هم توسط چند کارشناس، بررسی می‌شد، شاید نتیجه بهتری می‌داد. اگر دوستان نکته دیگر هم در این مورد دارند، بفرمایند.

**یثربی:** انتخاب سوژه را نباید در ترجمه نادیده گرفت. این موضوع، نمره بسیار بالایی داشته یعنی حسن انتخاب مترجم. ما بعضی مترجم‌ها را می‌شناسیم که سابقه بیشتری دارند و ما در امانتداری‌شان شک نمی‌کنیم. بیشتر کتاب‌های‌شان به انگلیسی، در شهر کتاب موجود است. در حسن انتخاب‌شان و نثری که اینها توانسته بودند از طریق آن، با مخاطب ایرانی ارتباط بگیرند شک نیست. فکر می‌کنم این چیزی که شما می‌فرمایید، خیلی خوب باشد. البته، در صورتی که معیارهای این چینی را نادیده می‌گرفتیم. این معیار برای ما ارزشش بیشتر بود که ترجمه‌ای به درد بچه‌های ایرانی بخورد. امیدوارم به دوستان مترجم که من خودم را از آن خانواده می‌بینم اهانت نشود و فکر نکنند کتاب‌شان با بی‌دقتی مطالعه شده است. فکر می‌کنم معیارها مناسب بود. مترجمین کارهای‌شان در ارتباط با هم است. اگر یک نفر رد کارهای‌شان را بگیرد. معلوم می‌شود کدام‌شان با دقت کار می‌کند، کدام‌شان نه. کدام‌شان با زبونی دارد، کدام‌شان احیای متن. اینها کاملاً مشخص است.

این پیش فرض را در ذهن مان داشتیم که کار یک مترجم خوب را می‌خوانیم.

**جزینی:** به نظرم سؤال‌هایی که شد در دو گروه می‌گنجید یک گروه که برمی‌گردد به بررسی نوع قضاوت‌ها که اینها مربوط به ما نبود. فی‌المثل، آیا بهتر نبود دبیرخانه ارشاد، برای بررسی ترجمه‌ها گروهی مترجم را همراهی می‌کرد؟ این را باید از دبیرخانه پرسید. به نظرم بخشی از سؤال‌ها این طوری بود؛ یعنی ما نباید جوابگو باشیم. در مقدمه هم دوستان اشاره کردند نوع آیین‌نامه‌ها، نوع انتخاب‌ها نیاز به تجدیدنظر دارد که این را باید دبیرخانه‌ای که اینطور عمل می‌کند جواب بدهند.

**○ نصیری‌ها:** این گفته درست است، اما واقعیت این است که هم ترجمه و هم تألیف را شما انتخاب کردید.